

نمایه شد

نمایه ساز:

تاریخ:

دانشکده اصول الدین قم

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

موضوع

بررسی کلمات اضداد در قرآن کریم

استاد راهنما

دکتر احمد بهشتی

استاد مشاور

احمد عابدی

نگارنده

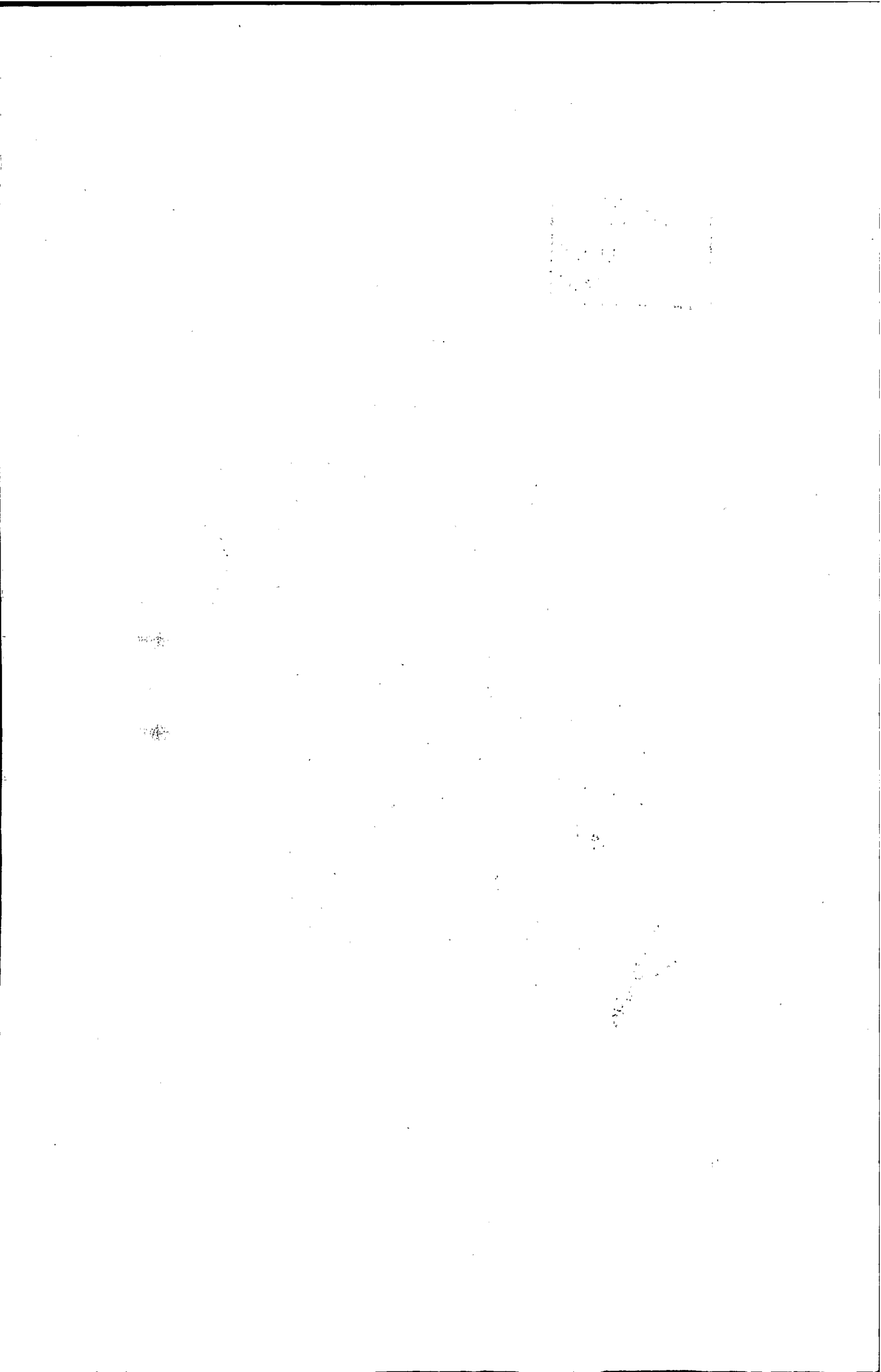
محمد علی اسد تاش

سال ۷۸-۱۳۷۷

۱۳۸۲ / ۱۰ / ۳۰

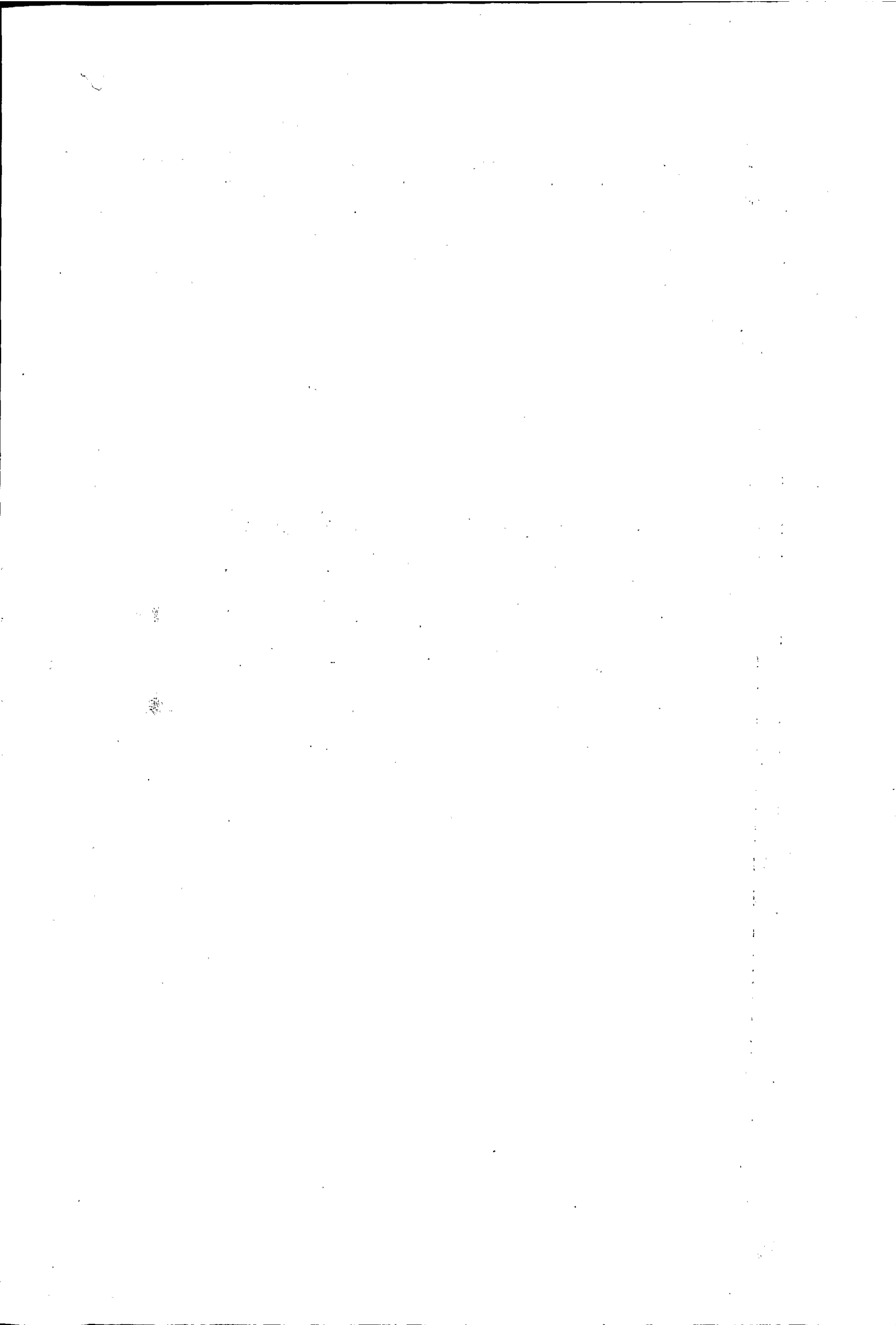
کتابخانه اساتید علمای قم
موسسه قرآنی

۵۸۲۹۲ ✓



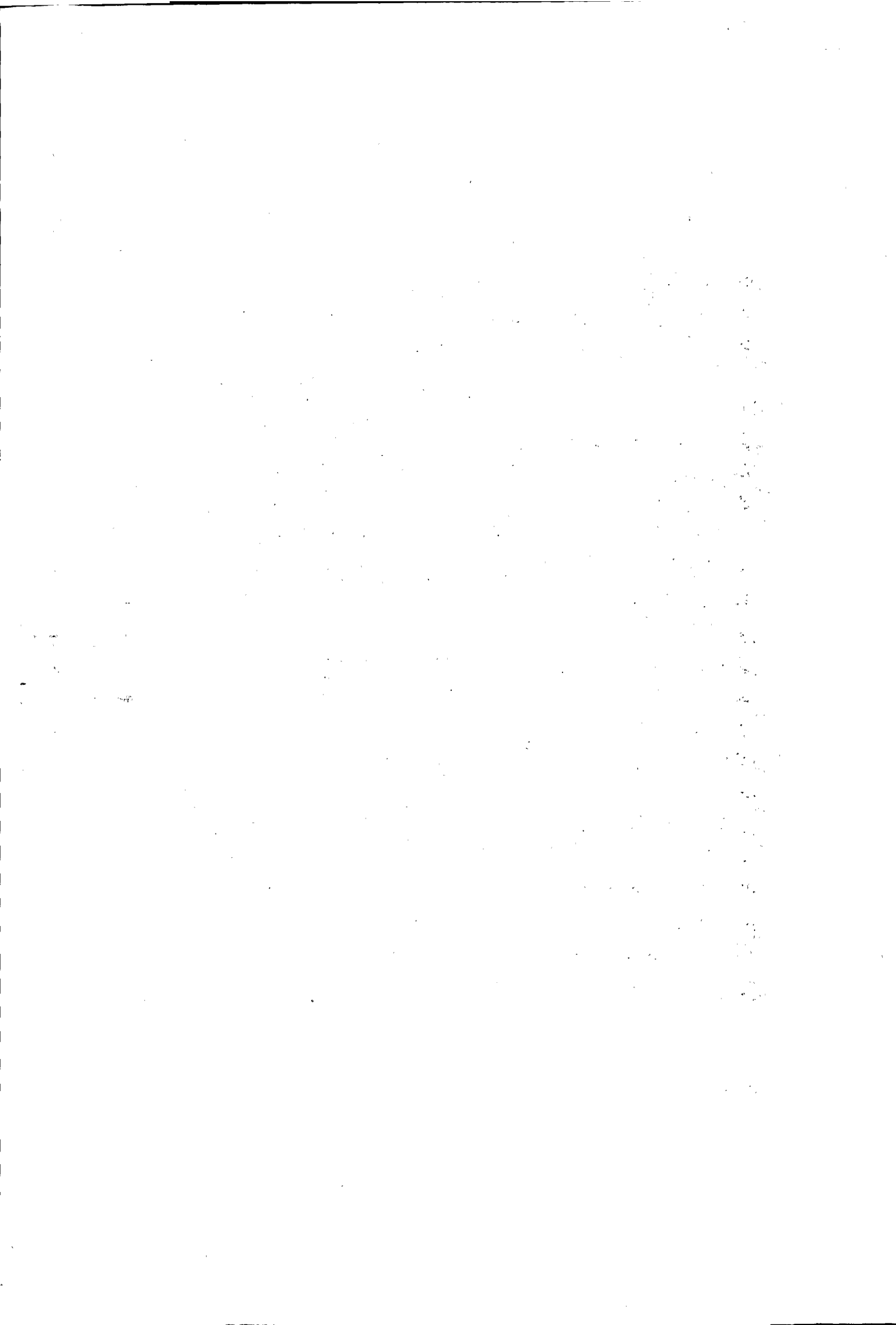
تقدیم:

به هنوایان قرآن و پویندگان عترت
به شیفتگان عدالت گستر جهانی - به چشم انتظاران
به آنانکه در هر کوی و برزن عاشقانه او را میجویند و در
فراقش زمزمه‌ها دارند
به آنانکه سحرگاهان با خدای خود راز و نیاز می‌کنند و
ظهور موفورالسرورتن را طلب می‌نمایند.



تشکر و قدردانی:

از اساتید بزرگوار و ارجمند، جناب دکتر احمد بهشتی و جناب استاد احمد عابدی که در تهیه و تنظیم این پایان‌نامه، با بردباری و حوصله مباحثهای ما را در رفع اشکالات تحمل فرمودند، تشکر می‌نمایم. و از پدر عزیزم که مرا با کوثر شیرین و حیاتبخش قرآن آشنا نمود، سپاسگزارم.



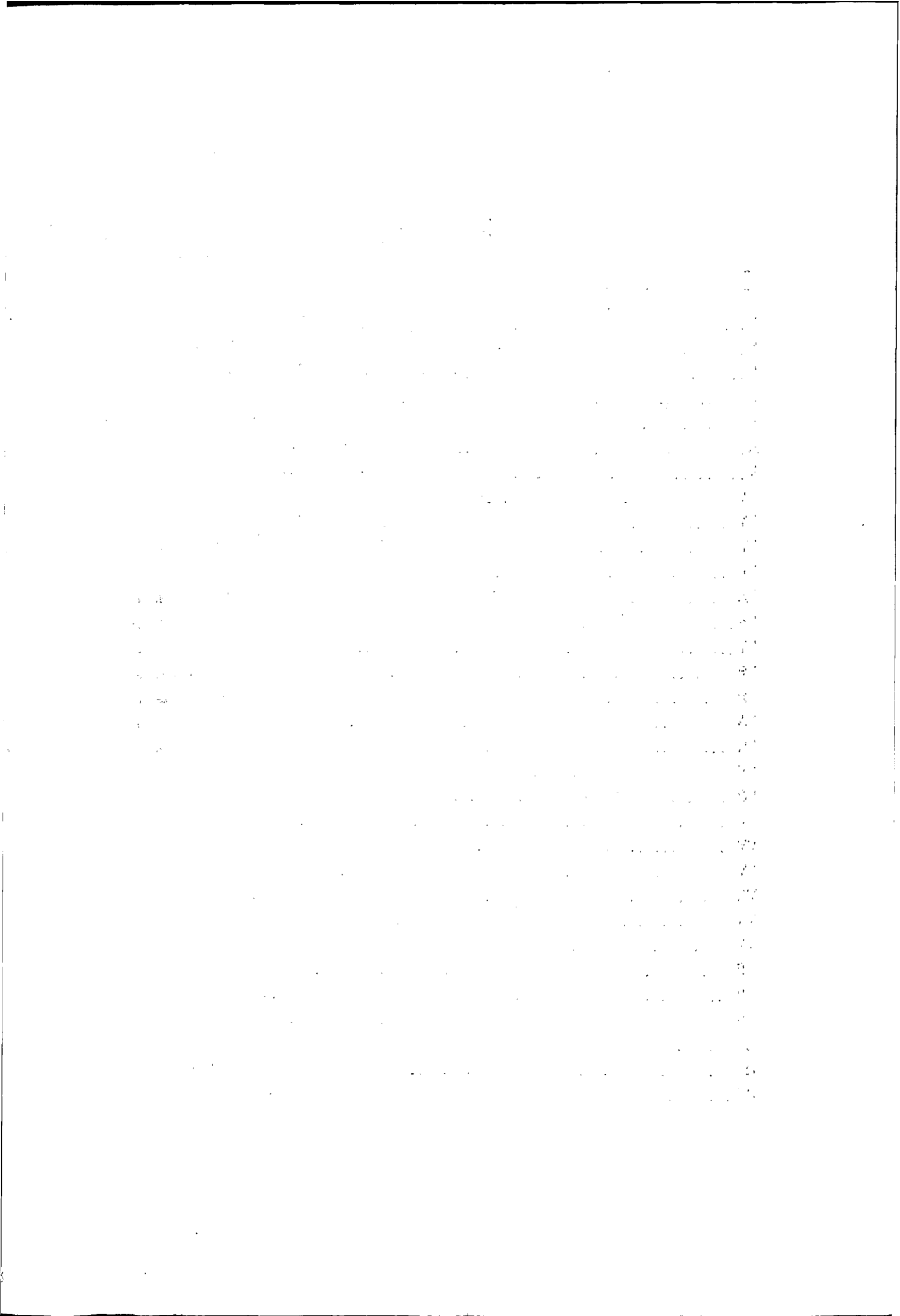
چکیده

اضداد لغوی کلماتی هستند از نوع مشترک لفظی که دو معنی متقابل دارند. مانند عسعس که بدو معنی رو کردن و پشت کردن تاریکی شب اطلاق می شود طبیعی است که مقصود متکلم یکی از دو معنی متقابل است که می توان با توجه به کاربرد کلمه در سیاق عبارت و قرائن موجود در کلام مراد گوینده را بدست آورد.

برخی از کلمات - اضداد - مانند «قَسَطًا» به هر دو معنی (عدل و ظلم) در آیات قرآن کریم استعمال شده است. و برخی گرچه در فرهنگ و کتب لغت دارای دو معنی متقابلند ولی در آیات قرآن کریم فقط به یک معنی استعمال شدند. مانند «أَسْرًا» بمعنی (ظاهر کردن و کتمان کردن) استعمال اضداد در کلام عرب که زبان قرآن است بجهت اتساع در کلام و اقتضای سخن غیرقابل انکار و به عقیده بعضی اجتناب ناپذیر است زیرا معانی کثیر و الفاظ قلیلند. کاربرد اینگونه کلمات نه تنها نشانه ضعف و نقض نیست بلکه بجهت حفظ فصاحت و بلاغت و استفاده از الفاظ نیکو برای مفاهیم قبیح یکی از ویژگیهای ممتاز قرآن کریم است. از عوامل مؤثر در پیدایش اضداد لغوی، تداخل لغات بین اقوام و جوامع بشری است که بمرور زمان موجب گردیده قبائل مختلف لغات را شنیده و از یکدیگر بگیرند و در غیر معنی اصلی اولیه استعمال کنند. که در اثر کثرت استعمال بمنزله اصل گردد. این الفاظ ابتدا در مقابل یک قدر جامع و مفهوم مشترک وضع شده و بعد به مناسبت وجود آن وجه مشترک در هر دو معنی متقابل استعمال شده است. کلمه الصبریم برای مثال، هم بمعنی روز و هم بمعنی شب گفته شده است زیرا روز از شب منقطع می شود و شب از روز که هر دو معنی متقابل دارای یک اصل مشترکند و آن بمعنی قطع کردن است که ممکن است هر یک در بین افراد و قبائل خاصی بکار رود. مثل لفظ (السدفه) که در زبان قبیله تمیم ظلمت و در زبان قیس بمعنی نور است. معنی متقابل بعضی از اضداد لغوی به لحاظ عوارض تصریفی و مصادر است. مانند (حرج - اثم جحد - حنث - هجد - صدق) که در باب تفاعل معنی عکس و متقابل می دهد. «حنث» بمعنی گناهی که با اصرار دیگری انجام شود ولی «متحنث» کسی است که از گناه دوری می کند. کلمه «ترب» یعنی فقیر شد ولی «اترب» یعنی غنی و ثروتمند شد. کلمه «امین» در قالب اسم فاعل بمعنی «امانت گذار» و اسم مفعول بمعنی «امانت دار».

کلید واژه ها:

متضادها - مشترک لفظی - معنی - سیاق - زبان - فصاحت - مفاهیم قبیح - ویژگی ممتاز - جوامع انسانی - کثرت استعمال - صرف - مصدر.



فهرست مطالب

صفحه

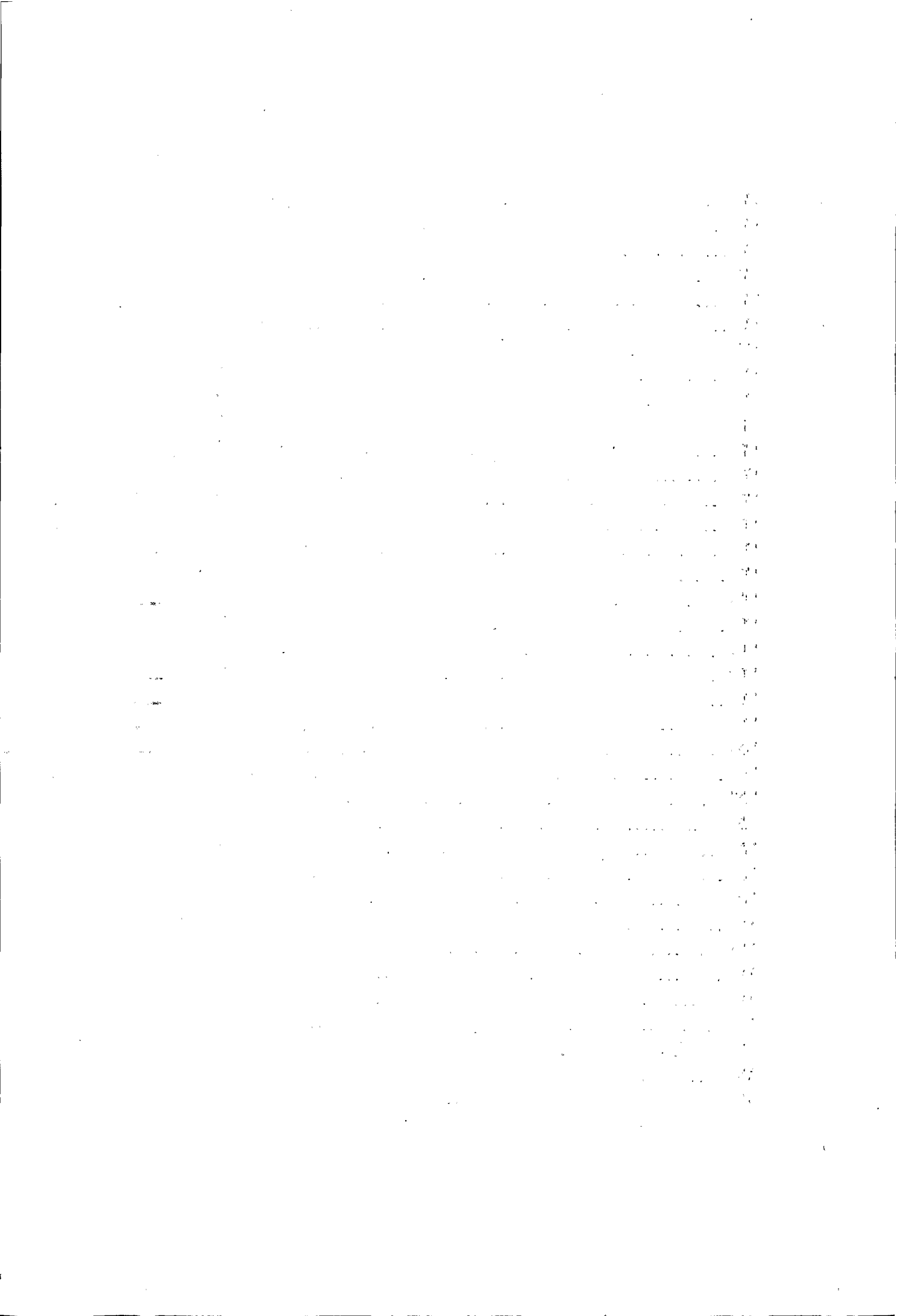
عنوان

۱	پیشگفتار.....
۴	مقدمه شامل:.....
۵	۱- تعریف لفظ، کلمه، لغت و واژه.....
۶	۲- اقسام وضع.....
۶	۳- واضع لغت.....
۸	۴- ظهور لغت.....
۹	۵- دلالت الفاظ بر معانی.....
۱۲	۶- اقسام لفظ در زبان عربی.....
۱۲	۷- اضداد لغوی.....
۱۳	۸- آراء علماء در مورد اضداد.....
۱۷	۹- منشاء پیدایش اضداد.....
۱۸	۱۰- آیا استعمال اضداد نشانه ضعف زبانست.....
۲۰	۱۱- تاریخچه نگارش کتب اضداد.....
۲۴	۱۲- روش تحقیق.....
۲۶	حرف الف.....
۲۶	۱۳- ازر.....
۲۸	۱۴- افل.....
۲۹	۱۵- آلا.....
۳۳	۱۶- امّة.....
۳۵	۱۷- امین.....
۳۶	۱۸- او.....
۳۷	حرف باء.....
۳۷	۱۹- برح.....
۳۹	۲۰- بطانة.....
۴۱	۲۱- بعد.....
۴۴	۲۲- بعض.....
۴۶	۲۳- بکر.....
۴۷	۲۴- بیض.....
۴۹	۲۵- بین.....
۵۱	۲۶- بیع.....
۵۳	حرف تاء.....
۵۳	۲۷- تبع.....

The following table shows the results of the experiments conducted on the 15th of June 1904. The first column gives the number of the experiment, the second column the time taken for the reaction to take place, and the third column the amount of gas evolved. The fourth column gives the temperature of the reaction mixture at the end of the reaction. The fifth column gives the amount of gas evolved per unit weight of the substance used. The sixth column gives the amount of gas evolved per unit weight of the substance used at the end of the reaction. The seventh column gives the amount of gas evolved per unit weight of the substance used at the end of the reaction. The eighth column gives the amount of gas evolved per unit weight of the substance used at the end of the reaction. The ninth column gives the amount of gas evolved per unit weight of the substance used at the end of the reaction. The tenth column gives the amount of gas evolved per unit weight of the substance used at the end of the reaction.

Experiment	Time taken for reaction to take place	Amount of gas evolved	Temperature of reaction mixture at the end of the reaction	Amount of gas evolved per unit weight of the substance used	Amount of gas evolved per unit weight of the substance used at the end of the reaction	Amount of gas evolved per unit weight of the substance used at the end of the reaction	Amount of gas evolved per unit weight of the substance used at the end of the reaction	Amount of gas evolved per unit weight of the substance used at the end of the reaction	Amount of gas evolved per unit weight of the substance used at the end of the reaction
1	1.5	1.2	25	0.8	0.8	0.8	0.8	0.8	0.8
2	2.0	1.5	25	0.75	0.75	0.75	0.75	0.75	0.75
3	2.5	1.8	25	0.7	0.7	0.7	0.7	0.7	0.7
4	3.0	2.1	25	0.65	0.65	0.65	0.65	0.65	0.65
5	3.5	2.4	25	0.6	0.6	0.6	0.6	0.6	0.6
6	4.0	2.7	25	0.55	0.55	0.55	0.55	0.55	0.55
7	4.5	3.0	25	0.5	0.5	0.5	0.5	0.5	0.5
8	5.0	3.3	25	0.45	0.45	0.45	0.45	0.45	0.45
9	5.5	3.6	25	0.4	0.4	0.4	0.4	0.4	0.4
10	6.0	3.9	25	0.35	0.35	0.35	0.35	0.35	0.35
11	6.5	4.2	25	0.3	0.3	0.3	0.3	0.3	0.3
12	7.0	4.5	25	0.25	0.25	0.25	0.25	0.25	0.25
13	7.5	4.8	25	0.2	0.2	0.2	0.2	0.2	0.2
14	8.0	5.1	25	0.15	0.15	0.15	0.15	0.15	0.15
15	8.5	5.4	25	0.1	0.1	0.1	0.1	0.1	0.1

۵۴	۲۸- ترب
۵۶	۲۹- تَوَاب
۵۸	حرف جیم
۵۸	۳۰- جبر
۶۰	۳۱- جنّ
۶۳	حرف حاء
۶۳	۳۲- حرس
۶۴	۳۳- حسب
۶۶	۳۴- تحنّث
۶۸	حرف خاء
۶۸	۳۵- خبو
۷۰	۳۶- اخفاء
۷۰	۳۷- خاف
۷۴	۳۸- خلت
۷۶	حرف دال
۷۶	۳۹- دون
۷۹	حرف راء
۷۹	۴۰- ربيبه
۸۰	۴۱- رجاء
۸۳	۴۲- اردی
۸۵	۴۳- راحله
۸۷	۴۴- ركوب
۸۹	۴۵- ارمّ
۹۱	۴۶- راغ
۹۲	۴۷- رهوة
۹۳	حرف زاء
۹۳	۴۸- زعمی
۹۵	۴۹- زوج
۹۸	حرف سین
۹۸	۵۰- ساجد
۱۰۰	۵۱- مسجور
۱۰۲	۵۲- اسرّ
۱۰۵	۵۳- سارب
۱۰۷	۵۴- سامد
۱۰۹	۵۵- سوی - سواء
۱۱۱	حرف شین
۱۱۱	۵۶- شری



۱۱۲	۵۷- شعب
۱۱۵	۵۸- اشکی
۱۱۷	حرف صاد
۱۱۷	۵۹- تصدق
۱۱۹	۶۰- صارخ
۱۲۱	۶۱- صریم
۱۲۳	۶۲- صار
۱۲۵	۶۳- اصفر
۱۲۶	حرف ضاد
۱۲۶	۶۴- ضد
۱۲۸	۶۵- ضعف
۱۳۲	۶۶- ضاع
۱۳۴	حرف طاء
۱۳۴	۶۷- اطلب
۱۳۶	۶۸- طلع، طلعت
۱۳۸	حرف ظاء
۱۳۸	۶۹- ظن
۱۴۱	۷۰- ظهري
۱۴۴	حرف عين
۱۴۴	۷۱- العجباء
۱۴۶	۷۲- عزز
۱۴۸	۷۳- عسعس
۱۵۰	۷۴- عاصم
۱۵۳	حرف غين
۱۵۳	۷۵- غابر
۱۵۵	۷۶- غريم
۱۵۷	حرف فاء
۱۵۷	۷۷- افرح
۱۵۹	۷۸- افيرط
۱۶۱	۷۹- افرع، فرع
۱۶۳	۸۰- فری، فاری
۱۶۶	۸۱- فزع
۱۶۸	۸۲- تفگه
۱۷۱	۸۳- فاز
۱۷۴	۸۴- فوق
۱۷۶	حرف قاف
۱۷۶	۸۵- قرء